



Список, № 56.

1977

Диван Бедила.

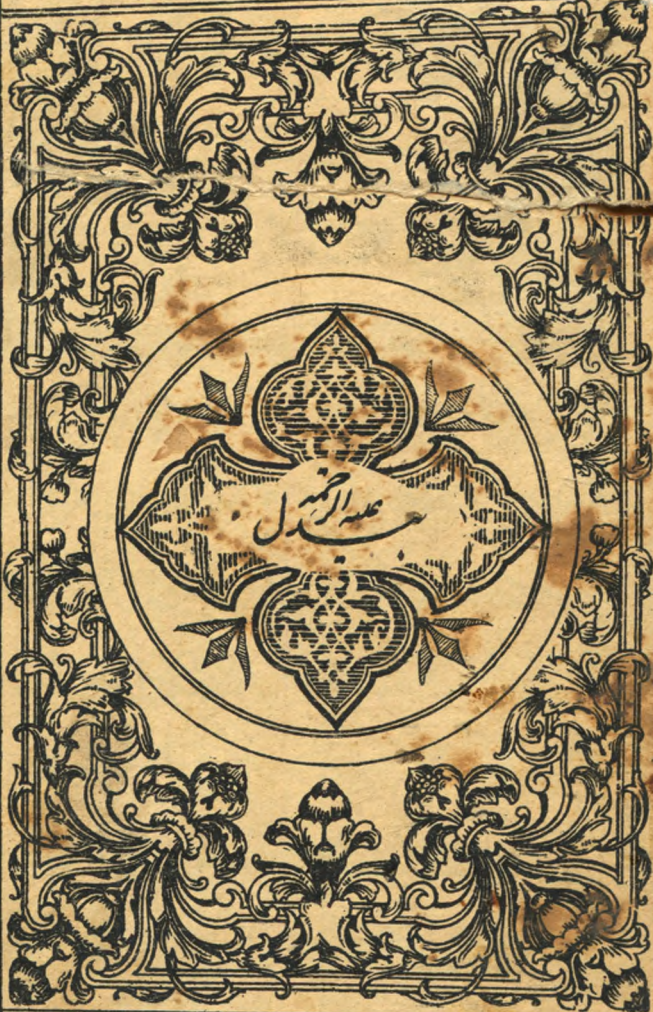
Литография. Дефектная, конец утрачен. 70 стр.

Самарканд, 1904 г.





سخن سده و شکر درین آوان فاضلشان دیوان حضرت سید عبد القادر



در ولایت سمرقند فردوس مانند در مطبع تیمور او طبع گردید

۱۳۲۲ هجری



بسم الله الرحمن الرحيم

باغ کبریا که پهلوی عجز است ماه بخا  
ادبگاه محبت نازش خضر بر نمیدهد  
بیاد محفل نازش سخن خیزد است افروم  
مقیم دشت الفت شریخ آسمان کن  
بسوغر شکل بود از انوشیروان  
خوشا بزم وفا که خجسته اطهار کوید  
زطرز مشرب عشاق سیر سپهر کن  
زبس فیض سخن میچو شد از کرد سواد  
کنعان هوس کرد درنده بود مطرب

سر موثر که انجام شود شکن کلاه  
چو ششم سر عهد اشک میسالد که بخا  
تسم تا کجا با چیده باشد دستگاه  
بهم مر آرد چشم تو مژگان کیهان  
سر در حجب خود دزدیدم برم پناه  
شرد در سنگ دارد پر فشانهای آه  
شکست زنگ کس آبی ندهد زیر کلاه  
همه که شب شعر روزت نمیکرد سیاه  
مکرد خود فرو رفتن کند ایجا جاه

خیال جلوه زار سیریم عالمی ده  
دل از کمطر فراق نسبت اجرام از ا

ز نقش با سر بایک کشیدن که که بخا  
بسنگ آید مگر انجام کردد عذر خوا



زمین کیرم فسون دل سپید عابدل  
در آنوا دیکه منزل نیز میافتد براه بخا



کر با نیوختند هر که در جنف سامان ما  
فیضها میچو شد از خاک بهار سچود  
در عاشایت برنگ تسمع هر جا میروم  
محو کردین علاج اضطراب ل نکرد  
از شهادت انتظار از بجا حیرتم  
منزل مقصود کم اول افتاده کیت  
دور جا ز خم جم کل نصیب مانند  
سوخست پیش از مادرم بجنف چون شطرا  
مطرب از تظلم پرده دار خمر کیت  
چشم تا بر هم ز نیم اشک بخون غلطید

تا سحر کشتن کر پنا میدر عیان ما  
صبح میریزد گل خورشید در دامان ما  
دیدۀ ما یکقدم پیش است از مرکب ما  
از تخریر سر بر کبوح شد طوفان ما  
ز خمه داد اماندن چشمت میدان ما  
همچو شک ایکاش لغزید ز شود جولان ما  
رنک تا گردانده آخر میشود دور ما  
دیدۀ بعضو نایاب است در کنعان ما  
شعله میسوزد جهان از ناله عریان ما  
بسل ایچا دست سپید جنبش قره ز ما

